

ماهیت منازعات مرزی طالبان-ایران

اسماعیل باقری¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره 1، پیاپی 89، بهار 1401؛ صفحات 135 - 107

تاریخ دریافت: 1401/02/20 تاریخ پذیرش نهایی: 1401/03/10

چکیده

فرار اشرف‌غنی و به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان، روند تحولات این کشور را وارد مرحله‌ای جدید کرد. با گذشت یک سال از حکومت سرپرست طالبان، کسب مشروعیت بین‌المللی همچنان مهم‌ترین چالش رهبران طالبان بوده و در طول این مدت دولت فراگیر شکل نگرفته است. عدم توزیع عادلانه قدرت در حکومت دوم طالبان و تأکید رهبران آن بر همه‌شمول بودن دولت فعلی و طرد رهبران حکومت سابق (به دلیل دولت دست‌نشانده بودن و همکاری با آمریکا به‌عنوان بازیگر اشغالگر)، موجب شده است تا به رسمیت شناختن حکومت فعلی از سوی کشورهای جهان، حتی کشورهای همسایه در اولویت نباشد. البته تعامل و برقراری ارتباطات بین دولت‌های همسایه با رهبران سیاسی طالبان، کم‌وبیش وجود داشته است. در این میان برخی سوءتفاهمات نیز موجب بروز مناقشات مرزی با کشورهای همسایه شده است. در خصوص منازعات مرزی بین ایران و حاکمان فعلی افغانستان، ضمن اذعان به وجود برخی اختلافات مرزی و آبی، باید به نقش داوری جانبدارانه کشورهای استعماری به‌ویژه انگلیس اشاره کرد.

در مقطع فعلی با آمدن طالبان به قدرت و خروج مفتضحانه و شکست آمریکا در افغانستان، تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا منازعات مرزی بین ایران و افغانستان به درگیری‌های مرزی ختم و سپس از طریق ایران‌هراسی در افغانستان و افغان‌هراسی و طالب‌هراسی در ایران، عملاً دو کشور درگیر جنگ قومی-مذهبی شوند و به‌نحو دیگری پروژه آشوب‌سازنده در افغانستان و کشورهای همسایه آن عملی گردد که با هوشمندی و تدبیر رهبران سیاسی ایران، این تلاش‌ها شکست خورد.

واژگان کلیدی

منازعات مرزی، طالبان، ایران، هیرمند، ایران‌هراسی، افغان‌هراسی

مقدمه

پیشروی سریع طالبان در تصرف افغانستان و فرار اشرف غنی در ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ موجب فروپاشی «نظام جمهوری» و به قدرت رسیدن حکومت دوم طالبان با عنوان «امارت اسلامی افغانستان» شد. فارغ از اینکه حکومت دوم طالبان تا چه حد در کسب مشروعیت داخلی و خارجی، تشکیل دولت فراگیر، توزیع عادلانه قدرت و رفع چالش‌های مدنی، اقتصادی و امنیتی موفق یا ناکام بوده است، مقامات حکومت فعلی همواره بر همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای هم‌جوار تأکید کرده و خواهان گسترش روابط و کاهش چالش‌های مرزی بوده‌اند. به‌خصوص درباره ایران تأکید کرده‌اند که نه تنها چالش و تنش مرزی نخواهیم داشت، بلکه تأمین حقایق ایران طبق معاهده ۱۳۵۱ را مد نظر خواهند داشت.

بدون شک با فروپاشی نظام گذشته و روی کار آمدن نظام فعلی، موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان وارد مرحله‌ای جدید شده است. در نظام سیاسی پیشین که حاصل اجلاس بن در ۱۳۸۰ بود، پایه‌های دولتی پایه‌گذاری شد که بر مبنای مشروعیت، مشارکت و تقسیم قدرت بین همه اقوام افغانستان بود و همین مسئله موجب شده بود تا همه کشورهای جهان، افغانستان جدید را به رسمیت بشناسند و با آن تعامل و همکاری کنند. اما با به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان، موقعیت سیاسی جدیدی خلق شده است که هنوز هیچ کشوری آنان را به رسمیت نشناخته و همه روابط سیاسی و رفت و آمد هیئت‌های حکومت طالبان به کشورهای خارجی و بالعکس، نه بر اساس اعتماد متقابل، بلکه بر اساس تعامل ضمنی و دوفاکتو است. برخی کشورها برای مدیریت آسیب‌ها از سوی افغانستان یا کاهش آسیب‌ها یا رفع برخی چالش‌ها، با حاکمان فعلی افغانستان تعامل می‌کنند. این مسئله در روابط تهران - کابل نیز مشاهده می‌شود. برخی کشورهای معاند نظیر آمریکا، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تلاش زیادی کرده‌اند تا با ایجاد موج افغان‌هراسی و طالب‌هراسی در ایران و ایران‌هراسی در افغانستان، دو کشور را وارد اختلافات و منازعات سیاسی کنند و در مرحله بعد به روش‌های مختلف به منازعات مرزی و آبی بین ایران و افغانستان دامن بزنند. عمده تیراندازی‌های مرزبانان دو کشور در چند مقطع زمانی در طول یک سال حکومت طالبان در افغانستان، ناشی از سوءتفاهمات و به‌نوعی عامل بیرونی بوده است نه منازعات درونی و اساسی.

جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید کرده است که آمریکا و متحدان غربی‌اش در طول بیست سال گذشته فقط به فکر تأمین منافع خود بوده‌اند. اساساً تأمین امنیت یا برقراری



صلح و مبارزه با تروریسم تنها بهانه‌ای برای تداوم اشغال افغانستان بوده است. جمهوری اسلامی ایران از خروج نیروهای خارجی و تخلیه پایگاه‌های نظامی خشنود است؛ با این حال بر این باور است که امنیت پایدار و ثبات سیاسی زمانی در افغانستان ایجاد می‌شود که دولت فراگیر در این کشور تشکیل شود و توزیع عادلانه قدرت از طریق مردم‌سالاری دینی و مشارکت مردمی صورت گیرد. در چنین وضعیتی تعاملات دو کشور گسترش خواهد یافت و کمتر شاهد منازعات مرزی یا آبی خواهیم بود.

با قدرت‌یابی دوباره طالبان، برخی موضوعات مانند حقوق مذهبی شیعیان در افغانستان، تولید و قاچاق مواد مخدر، مبارزه با گسترش داعش، از بین رفتن تنش‌های مرزی بین دو کشور و... همچنان مهم‌ترین دغدغه جمهوری اسلامی ایران در افغانستان بوده و بروز برخی تنش‌ها در مرز بر این نگرانی‌ها افزوده است.

در مقاله حاضر تلاش شده است ماهیت منازعات مرزی طالبان و ایران بررسی شود. بدین منظور ابتدا پیشینه اختلافات مرزی و آبی بیان می‌شود و سپس به عوامل و متغیرهای متعددی که در بروز منازعات مرزی مؤثرند، پرداخته می‌شود و تأثیرات منازعات مرزی بر آینده روابط دو کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. ژئوپلیتیک

«ژئوپلیتیک» را دانش کسب قدرت، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ، تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت‌ها، دانش مناطق بحرانی، دانش مرزهای بین‌المللی، دانش روابط قدرت و دانش نتایج عدم انطباق دو الگوی فضای عرضه و تقاضای منابع حیاتی معرفی می‌کنند. ژئوپلیتیک مطالعه تأثیر تقسیم و توزیع عناصر جغرافیایی بر هدایت سیاست‌های جهانی است و در اصل تأثیر وضعیت فضایی قاره‌ها و اقیانوس‌ها و توزیع منابع طبیعی و انسانی بر روابط حکومت‌ها نامیده می‌شود. در تعریف دیگر، ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است و در بحث ژئوپلیتیک بحث مرز و چالش‌های مرزی در اولویت بررسی است.

۲-۱. مرز و خط مرزی

«مرز» یا «سرحد» به خط فاصل میان کشورها برای تعیین حکومت و جغرافیای سیاسی گفته می‌شود. طبق تعریف، آخرین حد قلمرو زمینی، دریایی، هوایی و زیرزمینی هر کشور را مرز آن کشور می‌نامند. مرز مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک کشور از کشور همسایه است (امیرعبداللهیان، ۱۳۸۸). «خط مرزی» خطی اعتباری و قراردادی است که به منظور تحدید حدود یک کشور روی زمین و اسناد مرزی مشخص می‌شود. خطوط مرزی میان کشورها گاهی به وسیله عوارض طبیعی مانند ژرفگاه‌ها و میان‌آب‌ها و گاهی با استفاده از خطوط فرضی و قراردادی (مانند بخش عمده‌ای از مرز میان کانادا و آمریکا که برابر مدار ۴۹ درجه است) تعیین و توافق شده است (امیرعبداللهیان، ۱۳۸۸).

در تعریفی دیگر مرز مشخص‌کننده محدوده و حدود دو پدیده با هویت مستقل و ماهیت متفاوت است. نیاز ذاتی انسان‌ها این است که برای اطمینان از احساس امنیت و به‌دست آوردن استقلال عمل دارای فضای اختصاصی با مرزهای مشخص باشند. این فضای محدود دارای مرز، از پایین‌ترین سطح یعنی مرزهای شخصی شروع می‌شود و تا فضای ناحیه، منطقه، کشور و... ادامه می‌یابد. بین مرزهای مختلف، مرزهای بین‌المللی از نظر اهمیت، گستره و کارکرد جایگاهی ویژه دارند؛ هم از آن روی که مشخص‌کننده قلمرو حکومت و اعمال قدرت و حاکمیت هستند و هم بدان علت که دربرگیرنده تعداد زیادی از مردم هستند (مظلوم و زرقانی، ۱۴۰۰: ۴).

۳-۱. منازعه مرزی

منظور از منازعه مرزی، منازعه دو کشور هم‌جوار بر سر مرز مشترک از جنبه‌های مختلف مکانی، سرزمینی، عملکردی و... در سطوح مختلف خرد تا کلان است. مراحل تحدید حدود و علامت‌گذاری که معمولاً با قراردادهای مرزی صورت می‌گیرد، هیچ دولتی را از منازعات مرزی مصون نمی‌دارد. به‌طور کلی منازعات مرزی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) منازعات مکانی: منازعات ایجادشده بر سر مکان دقیق مرز که ممکن است بر اثر تفسیرهای گوناگون و متضاد از اسناد قانونی یا تغییر مکان مرز طبیعی حاصل شود.

ب) منازعات بر سر قلمرو یا منازعه ارضی: زمانی بروز می‌کند که دو کشور همسایه مدعی حاکمیت یک قلمرو و مرز باشند. معمولاً دلایل تاریخی و جغرافیایی و امنیت ملی اساس این ادعا را تشکیل می‌دهد.

ج) منازعه عملکردی: در نحوه اداره و عملکرد مرزهای بین دو کشور بروز می‌کند.

د) منازعات مرزی ناشی از یک منبع اقتصادی مشترک: این نوع منازعه هنگامی مطرح می‌شود که طرفین نمی‌توانند بر سر استفاده و تقسیم منابع موجود در منطقه مرزی (اعم از منابع روی سطحی و زیرسطحی) به توافق برسند (مظلوم و زرقانی، ۱۴۰۰: ۴).

منازعه فرآیندی است که از یک اختلاف دیدگاه بر سر مسائل و منافع حیاتی و کلیدی از مقیاس خرد تا کلان و از سطح فردی میان دو یا چند نفر تا سطح کشورها میان دو یا شماری از کشورها آغاز می‌شود و به دلیل تداوم و عدم حل و فصل، ابعادی گسترده پیدا می‌کند و به خشونت و تحمیل خسارات جانی و مالی می‌انجامد. منازعه مرزی و سرزمینی از نوع منازعات بین‌المللی میان کشورها با همسایه یا همسایگان خود بر سر مالکیت و حاکمیت بر مناطق مرزی یا آبی مشترک است. این منازعات گاهی نتیجه طمع‌ورزی و سیاست‌های متجاوزانه یک کشور دارای وزن ژئوپلیتیک بالا علیه همسایه برای تصرف بخشی از خاک کشور مقابل است. گاهی به اختلاف تاریخی همسایگان بر سر تعیین دقیق مرز یا مالکیت و حاکمیت منطقه‌ای خاص بر می‌گردد. گاهی ناشی از اختلافات و درگیری‌های اقوام مرزنشین دو کشور همسایه است. گاهی حاصل ایجاد مرزهای تحمیلی قدرت‌های خارجی یا معاهدات مرزی تحمیلی در تقسیم یک منطقه یا مناطقی بین دو یا چند کشور است که به تقسیم یک گروه و جمعیت دارای پیوندهای قومی انجامیده است که نمونه آن تقسیم منطقه سیستان و بلوچستان بین ایران، افغانستان و پاکستان است (حافظ‌نیا و میرزایی تبار، ۱۳۹۸: ۱۷۰).

۲. ماهیت منازعات مرزی ایران و افغانستان

برای فهم ماهیت منازعات مرزی ایران و افغانستان باید به جدایی افغانستان از ایران و پیشینه شکل‌گیری مرزهای بین دو کشور، به‌ویژه به پیوستگی موضوع «مرز» با «آب» و مسئله «حقابه» ایران از رود هیرمند پرداخت. مرزهای ایران و افغانستان به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت خاص سیاسی افغانستان و ضعف اقتصادی و فرهنگی مرزنشینان آن کشور همواره از پر حادثه‌ترین مرزهای مشترک ایران با همسایه‌هایش بوده است. مرزهای شرقی ایران که در گذشته‌های دور مناطقی وسیع از افغانستان کنونی را دربر می‌گرفت، با عهدنامه پاریس در ۱۸۵۷ و قطعی شدن مرزهای ایران و افغانستان، وارد مرحله‌ای تازه شد و بر اساس

فصل ششم^۱ از این عهدنامه، دولت انگلیس برای منازعات احتمالی ایران و افغانستان نقش حکم را یافت (میرحیدر، ۱۳۵۶: ۲۲).

سرزمین افغانستان تا دوران معاصر و پیش از معاهداتی چون پاریس، گلداسمیت، مک لین، مک ماهون و... همواره بخشی از قلمرو ایران بود و بر همین اساس، موضوع اختلافات ارضی و مرزی، معنایی نداشت. منازعات مرزی و آبی زمانی بین دو کشور ایجاد شد و به مرور افزایش یافت که ابتدا هرات از ایران جدا شد و در پی تشکیل دولت مرکزی در افغانستان با حمایت انگلیس در قرن ۱۹، هیچ خط مرزی مشخصی میان دو کشور تعیین نشد. پس از آنکه دو دولت بر سر مناطقی که میان قلمروشان بود با یکدیگر اختلاف پیدا کردند، نمایندگان دولت انگلیس که مسئولیت حل و فصل اختلافات میان ایران و افغانستان را بر عهده داشتند، در پی ارائه یک «راه حل قاطع» نبودند. به همین علت روابط دو کشور به مشکلات ناشی از تقسیم آب هیرمند و اختلافات مرزی و داوری‌های آن محدود شد و در زمینه‌های تجاری، روابطی کم‌سو برقرار بود^۲ (سلیمانی دهکردی و نیرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

با جدایی هرات، منطقه سیستان نیز در نتیجه حکمیت «گلداسمیت» در ۱۸۷۲ بین دو کشور تقسیم و بیش از نیمی از این منطقه معادل ۱۰ هزار و ۶۷۴ کیلومتر مربع به افغانستان واگذار شد. در سال ۱۸۹۶ نیز طبق داوری مک ماهون، بستر رود هیرمند تغییر کرد. سیستان تا قبل از تقسیم شدن، منطقه‌ای یکپارچه و یکدست بود و ساکنان دو طرف رود، طبق عرف و رسم معمول، از آب هیرمند برای مصارف کشاورزی و آب آشامیدنی خود استفاده می‌کردند و اساساً مسئله‌ای به نام منازعه یا مناقشه مرزی وجود نداشت^۳ (رحمانیان، براقی، ۱۳۸۹: ۵۷).

۱. ماده ششم عهدنامه صلح ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۷، مسئله تقسیم آب هیرمند و مشخص‌سازی مرزها را به حکمیت دولت انگلیس ارجاع کرد. این عهدنامه دولت ایران را متعهد کرده بود که همه اختلافات خود با دولت افغانستان را به داوری انگلستان ارجاع کند. دولت انگلیس هم تعهد کرده بود این اختلافات را مطابق حق و با در نظر گرفتن حیثیت دولت ایران تصفیه کند (میرحیدر، ۱۳۵۶: ۱۱۲).

۲. البته پس از استقلال افغانستان و به قدرت رسیدن امان‌الله خان در ۱۲۹۷ش و رضاشاه، با توجه به اینکه دولت ایران در این زمان به برقراری روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه با کشورهای همسایه خود اهمیت می‌داد، روابط دو کشور تا حد زیادی رو به بهبود نهاد.

۳. پیش از تقسیم سیستان بین ایران و افغانستان در زمان ناصرالدین شاه، آب بین ایران و افغانستان با ایجاد سد گزی تنظیم می‌شد. هر روستا در بالادست حقا به خود را بدون به مخاطره انداختن حقا به روستاهای پایین دست پشت سد گزی ذخیره می‌کرد. فرمول تقسیم آب در این منطقه مانند فرمول شیخ بهایی برای تقسیم آب زاینده‌رود کارایی داشت و مردم به اندازه نیاز برداشت می‌کردند. از بالادست حوضه آبریز تا سیستان ایران به دلیل قوم و خویش بودن مردم، قواعد تقسیم آب رعایت می‌شد؛ ولی بعد از مرزبندی جدید و سخت‌گیری دولت‌ها، بین مردم فاصله ایجاد شد. خوانین به جای تقسیم آب، از آن بیشتر استفاده کردند. همین رویکرد باعث ساخت سد کمال‌خان و کجکی و... شده است (پیرمحمد ملازهی، ۱۴۰۰).

مهم‌ترین نکته‌ای که بر پیچیدگی منازعات مرزی ایران و افغانستان در مقاطع مختلف افزوده، پیوند اختلافات آبی و مرزی به‌ویژه در بخش دلتای رود هیرمند است که بستر شاخه اصلی رود هیرمند، به‌عنوان مرز دو کشور تعیین شده است؛ به همین علت در دوره حکومت سرپرست طالبان همچنان این اختلافات مرزی و آبی بروز می‌کند. آنچه بر اهمیت حیاتی و راهبردی مسئله آب و تأثیرگذاری آن بر سایر موضوعات می‌افزاید واقع شدن منطقه مورد مناقشه در یک حوزه جغرافیایی نیمه‌خشک و حاره‌ای است که بیابان‌ها و صحراهای بزرگی چون «دشت مارگو» (دشت مرگ)، «دشت ناامید»، «دشت ریگستان» و دشت‌های دیگر مجاور آن هستند و بادهای ۱۲۰ روزه نیز در تغییر بستر رود و مرز دو کشور تأثیرگذارند (رحمانیان و براقی، ۱۳۸۹: ۳۹). بنابراین برای فهم ماهیت منازعات مرزی باید به مهم‌ترین و اصلی‌ترین منازعه یعنی تعیین مرز با افغانستان به‌ویژه مسئله حقابه هیرمند اشاره کرد؛ زیرا منازعات مرزی ما با افغانستان عمدتاً تحت تأثیر مسئله حقابه و تعیین مرز در منطقه سیستان بوده است.

۱-۲. حکمیت انگلیس در منازعات مرزی

افغانستان تحت‌الحمایه دولت انگلیس بود. به تدریج بر سر جزئیات خطوطی که انگلیسی‌ها تعیین کرده بودند، میان دو کشور اختلافاتی بروز کرد. با حکمیت سر فردریک گلداسمیت^۱ در سال ۱۸۷۲ م (۱۲۵۱ ه.ش) که پس از تجاوزات حکام قندهار و هرات به ایالت سیستان و دلتای رود هیرمند صورت گرفت، مقرر شد ناحیه دست راست هیرمند به افغانستان و ناحیه دست چپ به ایران واگذار شود. منازعات مرزی ایران و افغانستان همچنان ادامه یافت. حکومت انگلیس نقش مهمی در مدیریت منازعات مرزی بین دولت افغانستان با همسایگانش داشت و وانمود می‌کرد که برای پایان دادن به اختلافات آبی و مرزی میانجی‌گری می‌کند، اما در عمل چنین نبود. انگلیس در سال ۱۲۶۹ ه.ش (۱۸۹۰ م) ژنرال مک لین^۲ و کلنل مک ماهون^۳ را مأمور تعیین مرز دو کشور کرد؛ اما در عمل حکمیت انگلیسی‌ها به ضرر ایران تمام شد^۴ و ظرف یک سال، ژنرال مک لین ۱۶۵ کیلومتر از بخش شمالی مرز در

۱. Sir Frederic Goldsmith

۲. Gel Maclean

۳. Col Sir Henry Mac Mahon

۴. اولین اختلافات ۳۴ سال پس از انعقاد قرارداد پاریس و جدایی هرات از ایران در منطقه «هشتادان» به‌وجود آمد. بر تعیین کمیسیون و حکمیت مک لین در سال ۱۸۹۱ (۱۲۶۹ ه.ش) توافق شد و ایران در نخستین حکمیت دولت

«دشت هشتادان» میان ولایت هرات و ایالت خراسان ایران و کلنل مک ماهون ۲۷۵ کیلومتر از بخش جنوبی میان ولایت سیستان ایران و ولایت نیمروز افغانستان را تعیین کرد که هر دو دولت آن را پذیرفتند. بقیه مرز همچنان بدون تعیین حدود باقی ماند.

در سال ۱۹۰۲م (۱۲۸۱ه.ش) که نقطه اوج منازعات مرزی ایران و افغانستان بود، بار دیگر مک ماهون از جانب دولت انگلیس به منظور رفع مشکلات مرزی ایران و افغانستان تعیین شد. نتیجه نهایی این حکمیت در ۱۹۰۵م (۱۲۸۴ه.ش) به شدت به زیان ایران تمام و دوسوم آب هیرمند به کشور تازه تأسیس افغانستان واگذار شد. این حکمیت‌ها هرگز نتیجه مطلوب نداشت؛^۱ زیرا در منازعات مرزی ایران و افغانستان، انگلیسی‌ها اغلب جانب افغانستان را می‌گرفتند و در عین حال افغانستان که در حوزه نفوذ انگلستان بود، حق داشتن روابط سیاسی با دولت‌های دیگر را نداشت. به این ترتیب بخش مهمی از سیستان هنگام خط‌کشی و تحدید مرزها به افغانستان واگذار شد. در مورد بلوچستان نیز که در آن زمان متعلق به ایران و انگلیس بود، به همین شیوه عمل کردند (مکی، ۱۳۶۹: ۱۷۸-۱۷۶).

با توجه به نوع حکمیت انگلیسی‌ها، اختلافات مرزی دو کشور استمرار یافت و همواره تعدادی از خوانین منطقه آشوب‌هایی برپا می‌کردند. همین مسئله موجب تجاوزهای مرزی مستمر گروه‌های افغان به خاک ایران شده بود (ارفع، ۱۳۷۷: ۲۸۴). از آنجا که تا اواسط سلطنت رضاشاه، از آخرین نشانه خط حکمیت مک لین تا سیاه‌کوه (آخرین نقطه حکمیت مک ماهون)، تحدید و نشانه‌گذاری نشده بود، این بخش از مرز ایران و افغانستان نامشخص بود و همین مسئله موجب بروز ناامنی‌هایی بین دو طرف شده بود. علاوه بر آن، افغان‌ها در این منطقه مدعی اراضی ایران بودند و معترضانه از انگلیس داوری در این باره را

انگلیس، کل دشت هشتادان را همراه با تمام منابع و مردم و هر آنچه در منطقه بود، از دست داد (سلیمانی دهکردی و نیرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

۱. مک ماهون در زمستان ۱۲۸۴ه.ش (۱۹۰۲م) رأی خود را داد که از آب هیرمند که به بند کمال‌خان می‌رسید، دوسوم را به افغانستان و یک‌سوم را به ایران می‌داد و دو دولت ایران و افغانستان را مجاز می‌کرد از نهرهای موجود استفاده کنند و نهرهای متروکه را احیا و نهرهای تازه‌ای احداث کنند، مشروط بر اینکه مقدار آبی که برای آبیاری اراضی هر یک از دو کشور لازم باشد، کم نشود. هم ایران و هم افغانستان شرط گذاشتند که در رأی مک ماهون باید نظر گلداسمیت رعایت شود وگرنه حکمیت را نخواهند پذیرفت. اما عملاً نظر گلداسمیت رعایت نشد، زیرا خلاصه رأی حکمیت گلداسمیت این بود که هر دو کشور ایران و افغانستان باید متساوی‌الطرفین از آب هیرمند برخوردار شوند (مجتهدزاده، ۱۳۷۸). البته وزارت امور خارجه ایران طی نامه‌ای (بهمن ۱۲۸۴) به وزارت خارجه انگلیس به حکمیت مک ماهون اعتراض و اعلام کرد که یک‌سوم آب هیرمند برای ایران کافی نیست و با توجه به میزان زراعت طرفین، باید دوسوم به ایران و یک‌سوم به افغانستان داده شود.

خواستار بودند (مجتهدزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۵).

۲-۲- قرارداد ۱۳۱۷

همواره در مواقع بی‌آبی بین ایرانیان و افغان‌های ساکن حوزه رودخانه هیرمند اختلافات و مناقشاتی بروز می‌کرد. اختلافات و حتی زد و خورد بین ایرانیان سیستان و افغان‌های «چخانسور» بر سر آب هیرمند ادامه یافت. در زمان حکومت رضاشاه پهلوی که دو کشور برای نزدیکی به یکدیگر گام‌هایی برداشتند، از سال ۱۳۱۱ مذاکراتی بر سر اختلافات مرزی و حقایق هیرمند آغاز شد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۶۷). این مذاکرات زمینه قرارداد آب در ۱۳۱۷ بین ایران و افغانستان را فراهم کرد.

در شانزدهم اسفند ۱۳۱۲ قراردادی میان محمدتقی اسفندیاری، سفیر کبیر ایران در کابل، و فیض محمدخان، وزیر امور خارجه افغانستان، امضا شد که حل اختلافات و تحدید کامل مرز دو کشور را به حکمیت دولت ترکیه سپرد و طرفین موافقت کردند که هر نظری را که دولت ترکیه اعلام کند، نظر قطعی بدانند و به آن عمل کنند. دولت ترکیه ارتشبد فخرالدین آلتای را به‌عنوان حکم معرفی کرد که در سال ۱۳۰۷ (م ۱۹۲۸) هنگام سفر امان‌الله خان و همسرش ثریا به ترکیه، مهماندار رسمی آنان بود. ارتشبد آلتای^۱ پس از مطالعات محلی و بررسی اسنادی که دو کشور در اختیار او گذاشتند و همچنین مطالعه درباره بافت جغرافیایی و تاریخ منطقه، رأی خود را در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۴ (۱۵ فوریه ۱۹۲۵) ابلاغ کرد که دو دولت پذیرفتند و مجلس شورای ملی نیز در سیزدهم مهر ۱۳۱۴ آن را تأیید کرد (مذاکرات جلسه ۲۳، دوره دهم مجلس شورای ملی، سیزدهم مهر ۱۳۱۴).

چون مذاکرات بر سر حقایق هیرمند ممکن بود طول بکشد، دولت ایران و افغانستان نمایندگان خود را به محل اعزام کردند که در سوم اسفند ۱۳۱۵ با امضای پروتکل موقتی قرار گذاشتند هر مقدار آبی که به بند کمال‌خان برسد، به‌صورت مساوی میان دو کشور تقسیم شود (مذاکرات جلسه نوزدهم، دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، دوم مهر ۱۳۲۶). در ششم بهمن ۱۳۱۷ باقر کاظمی، سفیر ایران، و علی محمدخان، وزیر امور خارجه افغانستان، در

۱. طبق رأی صادره توسط ارتشبد آلتای، خط سرحدی یا مرز دو کشور ایران از «سیاه‌کوه» تا دره «ذوالفقار» تعیین شد و در چند جا رودهای ایستاده و نمک سار هرات، سرحد طبیعی بین دو کشور که به امتداد «جهیل هلمند»، نمک سار هرات و دریای هریرود است، خطی معین شد که از این خط به نام «خط فخری» یاد می‌شود (سلیمانی دهکردی و نیرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

کابل اعلامیه مشترکی امضا کردند که در آن دو کشور توافق کردند همه ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند کمال‌خان می‌رسد، از آن بند به بعد به صورت مساوی میان دو کشور تقسیم شود. فردای امضای این اعلامیه، ارتباط مستقیم تلگرافی میان ایران و افغانستان از طریق دو ایستگاه تلگرافی تایباد - اسلام‌قلعه و زابل - نادعلی برقرار شد^۱ (مذاکرات جلسه ۸۸، دوره یازدهم مجلس شورای ملی، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸).

برای آنکه از ده «چهار برجک» تا بند کمال‌خان، اضافه بر مقدار آبی که در آن زمان برده می‌شد مصرف نشود، دولت افغانستان تعهد کرد در فاصله میان ده چهار برجک تا بند کمال‌خان، آبراه تازه‌ای احداث نکند. همچنین هر دو دولت ایران و افغانستان تعهد کردند هیچ گونه اقدامات و عملیاتی از بند کمال‌خان تا ده «دوست محمدخان» و «سیخ سر» که آخرین تقسیم‌گاه آب بود، نکنند که باعث کاهش سهم هر یک از طرفین شود. مجلس شورای ملی ایران این اعلامیه را در یازدهم اردیبهشت ۱۳۱۸ تصویب کرد، اما مجلس افغانستان نه تنها حاضر نشد اعلامیه را تصویب کند، بلکه نهرهای «بقرا» و «سراج» را که قبلاً مهندسی کرده بودند، ایجاد کردند و این مسئله عملاً ایران را از بخش عمده آب هیرمند محروم کرد. همچنین افغان‌ها مسیر آب را در «خواجه علی» و «قاضی شیرجان» بند آوردند و به سوی نهرهای تازه‌احداث منحرف کردند و اندک آبی هم که از این محل می‌گذشت در «بند کوهک» به زمین فرو می‌رفت (مذاکرات جلسه نوزدهم، دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، دوم مهر ۱۳۲۶).

۲-۳. معاهده هیرمند ۱۳۵۱ (۱۹۷۳م)

مهم‌ترین منازعات مرزی ایران و افغانستان فقط بر سر تعیین مرزهای زمینی و آبی نبود، بلکه دو مسئله مهم «تعیین حقایق» و سپس «قبول داورى کشورهای استعماری» بود که اغلب به زیان ایران بود و موجب تشدید اختلافات دو کشور می‌شد. بعد از اینکه مقامات وقت ایران به این نتیجه رسیدند که داورى انگلیسی‌ها غیرعادلانه است و با اهداف خاص سیاسی صورت می‌گیرد، تلاش کردند به مذاکرات دوجانبه با طرف افغانستان روی آورند. روابط خوب دو کشور در زمان محمد نادرشاه و امضای معاهده دوستی بین ایران و

۱. این قرارداد و اعلامیه متمم آن در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ به تصویب و تأیید مجلس شورای ملی رسید. دولت افغانستان قرارداد و اعلامیه متمم را امضا کرد، مجلس شورای ملی افغانستان نیز قرارداد را تصویب کرد، اما اعلامیه متمم را رد کرد (رحمانیان و براقی، ۱۳۸۹: ۵۷).

افغانستان، زمینه‌ای شد تا مذاکرات بر سر هیرمند شکل بگیرد. موافقت‌نامه ۱۳۱۷ اولین و آخرین موافقت‌نامه با افغانستان در خصوص هیرمند در تراز استانداردهای جهانی بود و با معیارهای شناخته‌شده جهان متمدن مربوط به رودهای بین‌المللی هم‌خوانی داشت. دلیل عمده ناکامی این موافقت‌نامه مسائل سیاسی از جمله «فقدان حسن نیت» در طرف افغان بود. دولت افغانستان از تصویب موافقت‌نامه با این استدلال که دولت ایران باید طی یادداشتی موافقت بی‌قید خود را با آزادی کابل برای هر نوع مداخله در بالای بند کمال‌خان اعلام کند، اجتناب کرد. در ۱۳۳۱ دو طرف با وساطت آمریکا کمیسیون جدیدی را برای این منظور تأسیس کردند که به کمیسیون «دلتای رود هیرمند» معروف شد. در این قرارداد حق تقدم آب مشروب سیستان در مقایسه با سایر مصارف مورد پذیرش کمیسیون بی‌طرف قرار گرفت. مقدار آب مورد نیاز سیستان از سوی هیئت ۲۲ مترمکعب در ثانیه اعلام شد که مورد توافق دولت ایران قرار نگرفت (علمدارلو، ۱۳۹۶). اما در آخرین توافق و طبق «معاهده هیرمند» مقرر شد سهم ایران در منطقه دلتای رود ۲۲ مترمکعب در هر ثانیه باشد و ۴ مترمکعب آب اضافه در ثانیه از افغان‌ها بگیرد که در مجموع به ۲۶ مترمکعب می‌رسید. با اینکه این میزان از حقبه تعیین‌شده از (یک‌سوم) «کمتر» بود، اما افغان‌ها حتی از پذیرش آن سر باز زدند. این قرارداد با یک معاهده در خصوص آب هیرمند و دو پروتکل در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ مورد موافقت قرار گرفت و به امضای طرفین رسید. اما پس از کودتا علیه ظاهر شاه در ۱۳۵۲ بی‌ثباتی افغانستان را فراگرفت. در خرداد ۱۳۵۶ دولت جمهوری افغانستان نیز این معاهده را «لازم‌الاجرا» دانست، اما در پی کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و سپس حمله شوروی سابق به افغانستان و شروع جنگ‌های داخلی عملاً توجهی به معاهده ۱۳۵۱ نشد و در نهایت با ظهور امارت اسلامی طالبان، آب رود هیرمند به روی ایران بسته شد. با سقوط طالبان از قدرت در ۱۳۸۰ و تشکیل دولت موقت به ریاست حامد کرزی، در سفر دو روزه وی به تهران، سند همکاری بین دو کشور امضا شد که در بند ۱۳ آن طرفین بر اجرای معاهده هیرمند (۱۳۵۱) و تقسیم آب تأکید کردند. مقرر شد آب رودخانه هیرمند به مدت چهل روز به حوضه آبی هامون وارد شود، اما پس از بازگشایی دریچه‌های سد ارغنداب و کجکی و با گذشت تنها ۱۰ روز، از ورود آب به منطقه سیستان جلوگیری شد (خلیلی و هاشمی، ۱۳۹۶: ۴۴).

موضوع حقبه ایران یکی از منابع پایدار مشاجره بین دو دولت ایران و افغانستان بوده

است. با اینکه از سال ۱۳۵۱ تاکنون معاهده هیرمند مورد پذیرش و استناد دو کشور بوده، اما بدان عمل نشده و قرارداد جدیدی برای بهره‌برداری از رود هیرمند میان افغانستان و ایران بسته نشده است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سپس کودتای کمونیستی در افغانستان و حمله شوروی سابق به این کشور و وقوع جنگ‌های داخلی موجب شد تا موضوع طرح‌های مشترک از جمله معاهده هیرمند به فراموشی سپرده شود. در دوره حکومت اول طالبان (امارت اسلامی) نیز دلایل متعدد از جمله اختلاف ایدئولوژیکی و سیاسی در کنار عامل خشکسالی و کاهش نزولات جوی سبب قطع کامل آب هیرمند از سوی افغانستان شد.

۳. دلایل بروز منازعات مرزی و آبی

نقش قدرت‌های استعماری به‌ویژه انگلیس در قرن ۱۹ و تحمیل برخی قراردادهای و معاهدات به‌شکل میانجی‌گری و حکمیت بین ایران و افغانستان موجب شد تا اختلافات دو کشور از اختلافات مرزی و آبی به اختلافات سیاسی، حقوقی و گاه درگیری‌های مرزی ختم شود. پایبند نبودن طرف افغان به معاهدات دوجانبه و احداث نهر «سراج» و سپس «بقراء» و بعدها ایجاد نهر «شاهی» و حفر کانال‌های انحرافی و احداث سد در مناطق بالادستی رود هیرمند به کمک شرکت‌های آمریکایی، ژاپنی، آلمانی و اخیراً به کمک ترکیه و هند، برخلاف مذاکرات و توافقات دوجانبه در مقاطع مختلف تاریخی، عملاً موجب پیچیده شدن منازعات مرزی شده است که برخی از آن به «استخوان لای زخم» تعبیر کرده‌اند (رحمانیان و براقی، ۱۳۸۹: ۳۸). بحران آب در سیستان ایران از سال ۱۳۲۴ که شرکت‌های آمریکایی سدسازی و انحراف آب هیرمند از مسیر طبیعی‌اش را آغاز کردند، به شکل حاد بروز کرد و هنوز هم ادامه دارد (مجته‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۲۱).

ترکیه و هند به‌دلیل تجربیات و امکانات وسیعی که در کنترل و مهار آب دارند، با طالبان در این زمینه همکاری خواهند کرد. آنچه ترکیه با ایجاد سدهای بسیار بر دجله و فرات انجام داده، هندوستان نیز در منطقه کشمیر مشترک با پاکستان اجرا کرده است (ملازهی، ۱۴۰۰). مهم‌ترین نکته‌ای که بر پیچیدگی منازعات مرزی افزوده، پیوند منازعات آبی و مرزی است. به همین علت در ادامه به مشکل حقابه ایران از رود هیرمند و سپس منازعات مرزی اشاره می‌شود.



اختلافات آبی و حقابه رود هیرمند سایر اختلافات در مرز را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به همین علت کشورهای استعمارگر نظیر آمریکا و متحدانش (ژاپن، آلمان، هند و...) همواره از موضوع آب علیه منافع ایران بهره‌برداری کرده‌اند و در دوره‌های مختلف در کنترل رودهایی که به سمت ایران جاری هستند، همچنان به طرف افغانستانی کمک کرده‌اند. تنها مسئله‌ای که هیچ‌وقت تعطیل نشده، احداث سد‌های متعدد روی رود هیرمند و شاخه‌های متعدد آن در شمال، شرق و غرب این رود است.

متعهد نبودن طرف افغانستان به مفاد توافقات دو طرف در توافقات متعدد دوجانبه در خصوص مشکلات آبی نیز موجب شده است تا اختلافات آبی به اختلافات سیاسی کشیده شود. در همه دوره‌ها حتی در حکومت اشرف‌غنی و حکومت دوم طالبان بر پابندی دولت کابل بر معاهده هیرمند (۱۳۵۱) تأکید می‌شد، اما تأمین آن به دلایل و گاه به بهانه‌های مختلف انجام نمی‌شد. دولت‌های افغانستان همواره از هیرمند به عنوان ابزاری برای حل مسائل خود با ایران سود برده‌اند. در واقع هیرمند گروگان دائمی افغان‌ها برای سودجویی از آن در مناسبات سیاسی - اقتصادی و حتی نظامی با ایران بوده است (صفوی و جلالی نسب، ۱۳۹۵).

به نظر می‌رسد در موضوع آب، برخی حکام افغانستان برخلاف تصریح ضمنی معاهده هیرمند، در عمل نمی‌خواهند بر مفاد آن پایبند باشند و گاه از «مالکیت بر رود هیرمند» سخن می‌گویند و به دنبال کنترل و مهار آب و قابل معامله کردن آن هستند. حسین فرجاد امین، کارشناس مسائل افغانستان، مدعی است: «در ۲۰ سال گذشته افغان‌ها به لطف ارسال سیمان، میل‌گرد و سوخت ارزان برای ماشین‌آلات سنگین عمرانی از جمهوری اسلامی ایران اقدامات متعددی برای انحراف جریان طبیعی رودخانه هیرمند انجام دادند. طرح افزایش ارتفاع سد کجکی و افزایش ظرفیت سد به میزان یک میلیارد و هفتصد میلیون مترمکعب در دستور کار مقامات طرف افغانستان بوده است. افغانستان با دریافت کمک‌های خارجی و ماشین‌آلات سنگین، نهر لشکری در فاصله ۴۵ کیلومتری مرز دو کشور را که بر اثر طوفان‌های شن در سالیان متمادی پر شده بود، لایروبی کرد و سپس بر خلاف بند پنجم معاهده هیرمند در بستر رودخانه سازه‌ای احداث کرد که پایه آب را به داخل افغانستان هدایت کند. ایران به این اقدام اعتراض جدی نکرد. افغانستان اعلام کرد که این اقدام تأثیری در حقابه ایران ندارد و ما هم از کنار موضوع عبور کردیم. موفقیت اجرای انحراف آب به سمت نهر لشکری و رسیدن

آب به مناطق مرزی افغانستان بدون نیاز به برداشت آب از پریان مشترک، آنها را در اجرای سد کمال خان مصمم کرد (حسین فرجاد امین، ۲ بهمن ۱۴۰۰).

اجرا نشدن موافقت‌نامه‌های تقسیم آب بین ایران و افغانستان دلایل گوناگونی دارد؛ اما بی‌تردید بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و برهم خوردن امنیت در داخل افغانستان اصلی‌ترین دلیل اجرا نشدن موافقت‌نامه‌ها از جانب این کشور بوده است (پیرمحمد ملازهی، ۱۴۰۰). در خصوص دلایل منازعات آبی در طول سال‌های گذشته باید گفت عواملی مانند «جنگ و ناامنی»، «تغییر نظام‌های سیاسی»، «بالادست بودن دولت افغانستان در بهره‌برداری حداکثری از رود هیرمند»، «احداث سد و بندهای متعدد روی رود هیرمند مثل سد کجکی و سد کمال خان و ایجاد سد بر شاخه‌های ورودی آن به‌ویژه ارغنداب، ارغستان، موسی قلعه، فراه‌رود، خاش‌رود و...»، «ساخت کانال‌ها و ایجاد نهرها برای توسعه کشاورزی نظیر نهر سراج، نهر بقراء، نهر لشکری و...»، «خشکسالی، کاهش نزولات جوی»، «جابه‌جایی معجری اصلی رود و تغییرات اقلیمی»، «جنگل‌تراشی‌ها در بالادست حوضه‌های آبی»، «ایجاد موانع طبیعی»، «خلأهای موجود در قوانین بین‌المللی در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک و فراسرزمینی»، «رقابت‌های بازیگران سلطه‌گر و برجای گذاشتن بهانه‌های استعماری^۱ برای نفوذ و اعمال نظر» و مسئله مهم‌تر مطرح کردن و ترویج شدید «مالکیت آب و سرچشمه‌های رود هیرمند» از سوی افغانستان به‌ویژه در دوره اشرف‌غنی و «سیاسی شدن آب» موجب شده است تا حقایق ایران از رود هیرمند تأمین نشود (باقری، مرداد ۱۴۰۱).

طولانی شدن منازعات آبی با افغانستان نه تنها ماهیت بحران را چندلایه، پیچیده و مرکب کرده است، بلکه موجب تأثیرگذاری این مسئله بر روابط ایران و حکومت سرپرست طالبان شده است. بدون شک حل نشدن بحران آب در منطقه سیستان ایران و تأمین نشدن حقایق از سوی افغانستان می‌تواند به «موضوعی بحران‌زا» در روابط دو کشور فارسی‌زبان تبدیل شود و زمینه دخالت کشورهای زورگو و مداخله‌گر را فراهم سازد.

۱. مرز مشترک ایران و افغانستان در منطقه سیستان و بلوچستان در همسایگی نیمروز و فراه را انگلیسی‌ها ترسیم کردند. پس از جدایی افغانستان از ایران طبق معاهده پاریس در سال ۱۸۵۷، باید اختلافات آبی و مرزی را به انگلیس ارجاع می‌دادند. همین مسئله موجب شد میانجی‌گری انگلیسی‌ها همواره علیه منافع ایران باشد؛ به‌طوری که حقایق ۵۰ درصدی ایران در قرارداد گلداسمیت به یک‌سوم در قرارداد مک‌موهان رسید و در معاهده هیرمند در ۱۳۵۱ به ۲۶ متر مکعب بر ثانیه تقلیل یافت. انگلیس آگاهانه برای ایجاد اختلاف بین دو کشور در آینده، بخش‌هایی از تغییرپذیرترین بستر رود هیرمند در پایین‌دست را به‌عنوان مرز مشترک دو کشور تعیین کرد.

بنابراین مسئله تأمین حقا به فقط به دولت موقت طالبان مربوط نمی‌شود، بلکه در دولت‌های گذشته نیز همواره بر تأمین حقا به رود هیرمند در پایین دست اذعان و حتی تأکید می‌شد؛ اما در عمل با آوردن بهانه‌های مختلف، کمتر آبی به سمت ایران می‌رسید مگر سیلاب‌های فصلی که طرف افغانستانی امکان کنترل و مهار آن را نداشت. رئیس‌جمهور ایران اخیراً در جلسه هیئت وزیران (۵ مرداد ۱۴۰۱)، وزرای امور خارجه و نیرو را مأمور پیگیری حقا به ایران از رود هیرمند کرد و تأکید نمود دولت مردمی در پیگیری حقوق ملت به هیچ وجه کوتاه نخواهد آمد. حسین امیرعبداللہیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، در تماس تلفنی با امیرخان متقی، وزیر خارجه دولت موقت طالبان، هشدار داد که «اگر مسئله حقا به ایران از هیرمند با سرعت و جدیت حل و فصل نشود، در سایر حوزه‌های همکاری دو کشور آثار منفی خود را نشان خواهد داد. تحویل حقا به ایران شاخص مهمی برای سنجش تعهدات هیئت حاکمه سرپرستی افغانستان در عمل به تعهدات بین‌المللی در قبال ایران است» (خبرگزاری ایلنا، مرداد ۱۴۰۱).

با وجود اینکه امیرخان متقی تأکید کرد که «ما نسبت به حقا به ایران متعهد هستیم. زمانی که آب موجود باشد، آن را به سوی ایران روان می‌کنیم.» یا ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، حقا به بین افغانستان و ایران را حل شده دانست و گفت: «در صورتی که طرف افغانستان به اندازه کافی آب داشته باشد، جمهوری اسلامی ایران نیز از آب مستفید خواهد شد.» اما با توجه به پیشینه رفتار دوگانه رهبران افغانستان در دوره‌های گذشته، بعید به نظر می‌رسد حاکمان فعلی نیز کاملاً به گفته‌ها و تعهدات خود پایبند باشند و سهم حقا به ایران از رود هیرمند را عملیاتی کنند. با توجه به اینکه حاکمان فعلی افغانستان نیاز مبرم دارند که به رسمیت شناخته شوند، تلاش می‌کنند در وهله اول اعتماد کشورهای همسایه از جمله ایران را جلب کنند. رهاسازی آب از سدهای بالادستی در همین راستا قابل تحلیل است.^۱ طبق گزارش کارشناسان آبی، در پی این رهاسازی، حدود ۴ تا ۶ میلیون متر مکعب آب وارد مرزهای ایران شد؛ در

۱. پیرمحمد ملازهی مدعی است: «طالبان ذهنیت افغان‌ها درباره مالکیت‌شان بر آب‌های جاری در افغانستان را به رسمیت خواهد شناخت مگر اینکه بخواهد معادلات سیاسی خود را تغییر دهد. ایران همچنان فرصت دارد. یک‌بار بر سر قرارداد بین ایران، هند و افغانستان در مورد توسعه در چابهار این فرصت را داشت که مسئله هیرمند را به امتیاز تجاری در چابهار متصل کند. متأسفانه این فرصت از دست رفت. بنابراین ایران باید به رسمیت شناختن طالبان را مشروط به حل مسئله حقا به هیرمند کند. اگر چنین شود، طالبان در شرایط کنونی با توجه به مشکلاتی که در ورود کالا از مرز ایران دارد و همچنین مضیقۀ تأمین سوخت در فصل زمستان و نگرانی از تغییر جهت ایران در حمایت از شیعیان دره پنجشیر، حاضر است با ایران کنار بیاید» (روزنامه همشهری آنلاین، ۷ شهریور ۱۴۰۰).

حالی که بخشی از این آب به بخش کشاورزی ولایت نیمروز افغانستان اختصاص داشت. رهاسازی آب زمانی اتفاق افتاد که هشدارهای ایران جدی شد و وزیر نیرو برای پیگیری حقایق هیرمند به افغانستان سفر کرد. علی اکبر محرابیان، وزیر نیروی ایران، پس از سفر به کابل، درباره موضوع حقایق و گسترش روابط دو کشور با مقامات دولت موقت طالبان تبادل نظر کرد. طبق توافق دو طرف، طالبان قبول کرده است رود در بستر طبیعی خود حرکت کند و به مرز ایران برسد. متأسفانه در دولت اشرف غنی، رئیس‌جمهور فراری افغانستان، در سمت غرب بند کمال‌خان سازه‌ای با هدف انحراف آب به گودزره ایجاد شد که عملاً مانع رسیدن آب به ایران می‌شد (خبرگزاری تسنیم، ۲۰ مرداد ۱۴۰۱).

اما «آرزو اشرفی‌زاده»، مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست، درباره حقایق تالاب هامون گفت: «در ادامه اقدامات دولت قبلی افغانستان مبنی بر تغییر مسیر رودخانه هیرمند، جلوگیری از ورود آب این رودخانه به ایران و فرستادن آب به منطقه گودزره، دولت طالبان نیز با وجود اینکه قول داده بود دیگر دست به انحراف آب نزنند، بار دیگر همین کار را تکرار کرد. سال گذشته انحراف آب از مسیر طبیعی رودخانه هیرمند باعث شد که آبی وارد هامون نشود. امسال نیز بر اساس آخرین تصاویر ماهواره‌ای که اداره کل محیط زیست استان برای ما فرستاده، همین اتفاق در حال تکرار شدن است. هر سال که این اتفاق می‌افتد، اوضاع بدتر می‌شود؛ زیرا توان پوشش گیاهی هر سالی که آب به آن نرسد، کمتر خواهد شد. این اقدام افغانستان نشان‌دهنده عدم حسن هم‌جواری آنهاست»^۱ (خبرگزاری تسنیم، ۳۱ مرداد ۱۴۰۱).

طالبان برخلاف حاکمان قبلی، مدعی در نظر گرفتن منافع و مصالح مشترک دو کشور در خصوص حل اختلافات آبی و مرزی است. در همین راستا نشست‌های کارشناسی با مسئولان آب و انرژی دو کشور برگزار شده است. روند تحولات نشان خواهد داد که مسئولان طالبان چقدر به گفته‌های خود عمل خواهند کرد. البته طرف افغانستانی همواره با ایجاد سدها و بندهای جدید و حفر کانال و نهرها عملاً موجب کاهش هر چه بیشتر آب

۱. ریزگردهای ناشی از خشک شدن تالاب‌های هامون گریبان‌گیر افغانستان و پاکستان نیز خواهد شد. با توجه به خشکسالی و تغییر اقلیم، یک و نیم میلیون هکتار از تالاب‌ها غبارخیز شده‌اند و ۵۵ درصد آنها ظرفیت غبارخیزی بالایی دارند که در برنامه کوتاه‌مدت حداقل‌ها و هدایت صحیح سیلاب‌ها و منابع آب موجود باید تأمین شود تا شاهد خیزش ریزگردها و فعال شدن کانون‌های داخلی گرد و غبار نباشیم (خبرگزاری تسنیم، ۳۱ مرداد ۱۴۰۱).



رود هیرمند به ایران می‌شود و در عین حال مقامات افغانستان همواره با نادیده گرفتن نگرانی‌های ایران، اعلام می‌کنند که «اقدامات افغانستان نقصانی در میزان تأمین حقابه ایران ایجاد نخواهد کرد» (باقری، مرداد ۱۴۰۱).

۲-۳. منازعه مرزی و مسئله آب‌های مرزی در مرز مشترک با افغانستان عمده اختلافات مرزی در بخش آب‌های مرزی در مرز مشترک با افغانستان نهفته است. این مسئله نیز با تعیین خطوط مرزی در دوران افغانستان تحت‌الحمایه انگلیس ارتباط دارد؛ چون انگلیسی‌ها نقش اساسی را در تعیین مرزهای شرقی داشتند. در مقاطع مختلف کشورهای استعماری انگلیس و آمریکا و حتی شوروی در دوره اشغال افغانستان، به‌نوعی به‌دنبال ایجاد فاصله و شکاف بین دو کشور ایران و افغانستان بوده‌اند. قبل از اشاره به منازعه مرزی در دوران حکمرانی طالبان، به اختلافات مرزی بین دو کشور اشاره می‌شود:

۱-۲-۳. اختلافات ارضی در منطقه میلک

محل میل مرزی ۵۱: یکی از موارد اختلافی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان موقعیت میله‌های مرزی ۵۱ تا ۵۶ است. براساس قرارداد منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران که به قرارداد ۱۹۰۵ مک ماهون معروف است، محل میله در بستر رودخانه هیرمند و در محل تقسیم این رودخانه با رودخانه «پریان» است. اما این میله‌ها به‌صورت توصیفی در رودخانه پریان تعیین شدند و عملاً نصب نشدند. حال با گذشت حدود ۱۰۶ سال از انعقاد قرارداد و تغییر مسیر رودخانه، دو طرف ایران و افغانستان، تفاسیر متفاوتی از مسیر این میله‌ها دارند. همین موضوع باعث اختلاف بر سر محل این میله‌ها شده است و طرف افغانی میله‌گذاری جدید را تمکین نمی‌کند (صفوی و همکاران، ۱۳۹۵).

۲-۲-۳. اختلاف در منطقه دوغارون

احداث دیوار ۴۰۰ متری توسط افغانستان در گمرک «دوغارون - اسلام قلعه» از موارد اختلافی بین دو کشور است. پس از استقلال افغانستان از جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۳۶ و تعیین خط مرزی بین دو کشور، همواره در بخش دوغارون واقع در منطقه عمومی تایباد، اختلاف ارضی وجود داشته و همین امر در بعضی مواقع باعث ایجاد تنش بین دو کشور شده است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

۳-۲-۳. اختلاف آبی و مرزی هریرود و هیرمند

اختلاف بر سر حقیقه رود هیرمند، دست‌کم از سال ۱۷۸۲، یکی از منابع پایدار مشاجره بین دو دولت ایران و افغانستان بوده است. دولت‌های افغانستان همواره از هیرمند به‌عنوان ابزاری برای حل مسائل خود با ایران سود برده‌اند. در واقع هیرمند گروگان دائمی افغان‌ها برای سودجویی از آن در مناسبات سیاسی - اقتصادی و حتی نظامی با ایران بوده است. در سال ۱۳۸۴ سدی با عنوان «سد دوستی» با همکاری جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان برای بهره‌برداری از آب رودخانه هریرود با هدف تأمین آب مورد نیاز دو کشور به‌ویژه تأمین آب شرب استان خراسان رضوی در مرز دو کشور و روی رود مرزی هریرود در ۷۵ کیلومتری شهرستان سرخس در شمال شرق خراسان رضوی احداث شد. پس از احداث این سد، دولت افغانستان با کمک هند، سد «سلمما» را به نام سد دوستی هند و افغانستان روی این رودخانه در محدوده شهر هرات احداث کرد. با احداث سد سلمما، براساس برآوردها و گزارش‌های کمیته محیط زیست سازمان ملل متحد، جریان سالانه آب به سمت جمهوری اسلامی ایران و سد دوستی دست‌کم با ۷۱ درصد کاهش روبه‌رو خواهد شد. دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان بارها به احداث سد سلمما اعتراض کرده‌اند، اما دولت افغانستان ساخت سد روی هریرود را حق خود می‌داند (صفوی و جلالی نسب، ۱۳۹۵).

وقوع جنگ‌های داخلی طولانی مدت و فقر شدید اقتصادی دو عامل مهمی هستند که در قاچاق انسان نقشی عمده دارند. از یک سو در حال حاضر دولت فاقد اقتدار لازم برای بسط حاکمیت خود به سراسر افغانستان و کنترل مؤثر امور امنیتی کشور است و از سوی دیگر بسیاری از خانواده‌های افغان به‌ویژه کسانی که در استان‌های مرزی سکونت دارند، بی‌میل نیستند که برای کسب درآمد به آن سوی مرزها عزیمت کنند (نوروزانی کوهستانی، ۱۳۹۳). اشکال مختلف این قاچاق عبارت‌اند از: وارد کردن غیرقانونی اتباع افغانستان برای کار در ایران، بهره‌گیری از اتباع ایرانی و افغانی برای قاچاق مواد مخدر، ازدواج زنان ایرانی با اتباع افغانی که هم ازدواج آنها عمدتاً به صورت غیرقانونی است و هم خروج اجباری آنها از ایران و اسکان آنها در افغانستان اغلب برخلاف میل آنها توسط شوهران‌شان انجام می‌شود. بسیاری از زنان وقتی وارد افغانستان می‌شوند به سرنوشت نامعلومی گرفتار می‌آیند (صفوی و جلالی نسب، ۱۳۹۵).



وجود صدها کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و تجارت پرسود مواد مخدر در مرزهای شرقی ایران مزید بر علت شده است تا قاچاقچیان اسلحه از این منفذ به‌عنوان ورودی وسیعی برای تجارت خود استفاده کنند. از علل و عوامل قاچاق سلاح در مرزهای شرقی کشور عبارت است از: درگیری‌های داخلی دو قرن و نیم در افغانستان و تردد آزادانه مجاهدین افغان به مرزهای ایران، تجارت مواد مخدر که عمدتاً به شیوه مسلحانه صورت می‌گیرد، خرید و فروش سلاح که به‌علت ارزان بودن قیمت سلاح‌ها در افغانستان، مشتریانی در مرزهای ایران پیدا می‌کند، فضای امنیتی حوزه شرق ایران که داشتن سلاح را برای حفاظت از جان و مال در مقابل سارقین مسلح ایرانی و افغانی و نیز مقابله با گروگان‌گیری، شرارت‌های مرزی و آدم‌ربایی ضروری می‌سازد (جهانشاهی و پناهی، ۱۳۹۸: ۹۹).

۴. ماهیت منازعات مرزی ایران با افغانستان در دولت موقت طالبان

در خصوص ماهیت منازعات مرزی به‌ویژه در حکومت دوم طالبان باید گفت بخشی از دلایل بروز این منازعات «کم‌تجربگی طالبان در حکومت‌داری»، «ناآشنایی مرزبانان طالب با قوانین مرزبانی»، «نامشخص بودن برخی خطوط مرزی»، «سوءتفاهمات و اشتباه‌های ایران ناشی از دیوارهایی^۱ که ایران با فاصله ۵۰۰ متری تا یک کیلومتری و گاه بیشتر از نقاط مرزی احداث کرده»، «خودبزرگ‌بینی نیروهای طالبان در مرز و آتش به‌اختیاری نیروهای خودسر»، «سوءاستفاده قاچاقچیان مواد مخدر، اسلحه و انسان در ایجاد فضای تنش مرزی» و «شیطنت‌های گاه و بی‌گاه خارجی و داخلی و تحت تأثیر قرار گرفتن بخشی از نیروهای مرزبانی ایران در برابر واقعیت‌های صحنه» است (محمد صدیقی‌فر، ۱ شهریور ۱۴۰۱). بخشی دیگر هم به‌علت مداخلات آشکار و پنهان خارجی است که تلاش می‌کنند در نقاط مورد مناقشه، درگیری‌های مرزی بین طالبان و ایران ایجاد شود و گسترش یابد. آنها هم‌زمان با ایجاد درگیری‌های مرزی، به دنبال بهره‌برداری از فضاسازی رسانه‌ای برای ایجاد بدبینی و سپس تشدید تنش‌ها بین مرزبانان ایران و افغانستان هستند. چندین بار درگیری‌های مرزی کوتاهی رخ داده است که مهم‌ترین آنها عبارت است

۱. متأسفانه در مقطعی برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر، اسلحه و انسان، دیوارهایی با فاصله از مرز ایجاد شده است که نه تنها اقدامی غیرکارشناسی و اشتباه بوده و عملاً مانع قاچاقچیان مواد مخدر و اسلحه نشده، بلکه موجب سوءتفاهم نسبت به نقاط مرزی از سوی افغان‌ها شده است.

از: ۱۰ آذر ۱۴۰۰ در منطقه مرزی شهرستان «کنگ» ولایت نیمروز،^۱ ۱۷ اسفند ۱۴۰۰ در منطقه «دریشک» واقع در شهرستان کنگ استان نیمروز، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۱ تنش مرزی در دوغارون^۲ و آخرین بار ۹ مرداد ۱۴۰۱ در منطقه مرزی «شغالک» از توابع بخش مرکزی شهرستان هیرمند (نزدیک شهر دوست محمد). در همه این درگیری‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی معاند دنبال نفرت‌پراکنی و ایجاد اختلاف بوده‌اند. در ایران نسبت به عملکرد طالبان اغراق می‌شد و در مورد ایران نیز داعش در افغانستان را عامل بدبینی مفرط ایران به دولت موقت طالبان اعلام می‌کردند تا تعاملات ایران و دولت موقت طالبان را از همگرایی به واگرایی برسانند. البته بارها این شبکه‌های معاند با شایعات مختلف و اخبار کذب، موضوع درگیری‌های مرزی را بازتاب دادند که مقامات آگاه ایران آن را تکذیب کردند.

رسانه‌های دشمن با روی آوردن به فضا سازی رسانه‌ای، ترویج سوءتفاهمات و موضوع «ایران هراسی» و «شیعه‌هراسی» در افغانستان و حتی «افغان‌هراسی» و سپس «طالب‌هراسی» در ایران، به دنبال اختلاف‌افکنی بین دو کشور در چند سال اخیر بوده‌اند. با به قدرت رسیدن مجدد طالبان در افغانستان، به‌ویژه در اوایل سال جاری (۱۴۰۱)، بیش از هر زمانی تلاش شد از طریق شبکه‌های اجتماعی و تبلیغ سوءبرخورد با مهاجرین افغان، بین دو ملت ایران و افغانستان به‌نوعی دشمنی ایجاد کنند. حمله با چاقوی یک نفر تکفیری از قوم ازبک در حرم مطهر امام رضا(ع) به سه روحانی که موجب شهادت دو تن از آنان

۱. رویداد اخیر یک رویداد بسیار خرد، اما با تبعات زیاد بود که محمدهادی مرعشی، معاون امنیتی استانداری سیستان و بلوچستان، آن را چنین توصیف کرده است: «فاصله دیوار مرز تا نقطه صفر مرزی فضایی هست که زمین‌های کشاورزی و در اختیار مردم است. از زمان احداث دیوار، به مردم مجوز دادیم که روزهایی به سرکشی زمین‌های کشاورزی‌شان بروند. امروز هم از ۹ صبح با تراکتورها روی زمین‌هایشان مشغول کار بودند. ساعت بین ۲ تا ۳ عده‌ای که الان در ولایت نیمروز مستقرند، به سمت کشاورزان ما تیراندازی کردند. آنها اطلاعی از حوزه مرز ندارند و نمی‌دانند که زمین‌های پشت دیوار هم خاک ایران است و نقطه صفر مرزی خط رودخانه است. پاسگاه مرزی هم در جواب تیراندازی آنها مجبور به پاسخ شد و تقریباً چند ساعتی درگیری ادامه پیدا کرد. با مذاکراتی که انجام شد، اوضاع آرام شد و هیچ احدی در این تیراندازی‌ها مجروح نشد» (انتخاب، ۱۰ آذر ۱۴۰۰).

۲. در ۳ اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز از بروز یک تنش در مرز اسلام‌قلعه میان مرزبانان جمهوری اسلامی ایران و نیروهای طالبان خبر داده شد. «به گفته شاهدان عینی، این تنش پس از آن بروز کرد که نیروهای مرزی طالبان قصد ساخت یک جاده در منطقه مرزی دو کشور را داشتند که با مخالفت نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شدند. این اقدام ایران با مقاومت نیروهای طالبان مواجه شد و پس از بحث و مشاجره، دو طرف به حالت آماده‌باش درآمدند» (خبرگزاری فارس، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۱). «مولوی شبیر احمد»، رئیس ارکان قوای مسلح و سرپرست هیئت رهبری طالبان در ساماندهی امور مرزی با جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با «سید حسن مرتضوی»، معاون سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل، گفت: سیاست بزرگان ما در قبال کشورهای همسایه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران که میزبان میلیون‌ها شهروند افغانستانی است، عدم بروز هرگونه جنگ و درگیری و حرکت به‌سوی همکاری‌های همه‌جانبه مرزی است (خبرگزاری تسنیم، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱).

شد، اقدامی است که سرویس‌های جاسوسی در همین راستا آن را عملیاتی کردند.

۱-۴. نمونه‌ای از درگیری مرزی در آذر ۱۴۰۰

در آذر ۱۴۰۰ در مرز میان روستای «شغالک» (از توابع شهر دوست محمد شهرستان هیرمند استان سیستان و بلوچستان ایران) و ولایت نیمروز افغانستان، درگیری میان مرزبانی دو کشور به وجود آمد. گذر تعدادی از کشاورزان محلی ایرانی از دیوار داخل خاک ایران (که به غلط برای افغان‌ها دیوار مرزی تلقی می‌شود) باعث تیراندازی هوایی طرف افغان شده بود. (طبق یک روایت تأیید نشده، تیراندازی مستقیم نیز بدون آسیب زدن به کسی صورت گرفته است.) سپس واحد ارتشی مستقر در ۵ کیلومتری مرز با توپ سبک به سمت افغانستان شلیک کرد. (طبق روایت تأیید نشده، موجب تلفات نیز شده است.) طرف افغان هم به سوی خاک جمهوری اسلامی ایران تیراندازی کرد. اخبار دیگر مبنی بر پیشروی یکی از طرف‌ها در خاک دیگری و تصرف پاسگاه‌های مرزی از سوی طالبان همگی غلط بوده‌اند و مقامات ذی‌ربط در نهادهای مختلف رد کرده‌اند. (تنها برق یک پاسگاه برای ساعاتی قطع شد.) با اطلاع مقامات بلندپایه تهران و کابل به سرعت جلوی ادامه تنش گرفته شد و طرفین رسماً ماجرای رخ داده را سوءتفاهم میان مرزنشینان خواندند و سعی در حفظ روابط مثبت سیاسی، اقتصادی و امنیتی کردند که ثابت و آرامش پایدار در مرزها یکی از ارکان حفظ چنین روابطی است. در ساعات تنش، پایانه مرزی ما در منطقه (میلک) بدون مشکل به کار خود ادامه داده است (بهرام زاهدی، آذر ۱۴۰۰).

در حاشیه این رخداد، یک رخداد اجتماعی دیگر نیز به وقوع پیوست؛ اما در فضای مجازی این اتفاقات (تنش مرزی) طوری بزرگ‌نمایی می‌شد که گویی جنگی میان دو کشور درگرفته است!

دیوار ساخته شده در خاک جمهوری اسلامی ایران بخشی از یک طرح انسداد مرزی است که در برخی نقاط آن از دیوار حائل برای انسداد استفاده شده و در برخی نقاط دیگر از کانال آب، سیم خاردار و... استفاده شده و البته در برخی نقاط نیز بدون هیچ حائل محافظتی است. این دیوار با فاصله متناوب چندده متری به دلایل امنیتی و حقوقی درون خاک جمهوری اسلامی در اوایل دهه ۱۳۸۰ (سال ۱۳۸۲) ساخته شده است. میلک‌های مرزی نیز ستون‌های سنگی کوچک با فواصل زیاد هستند و به همین دلیل امروز نیز مانند دهه‌های گذشته (دست کم از پنجاه

سال پیش) حفظ مرزها و برقراری آرامش و ثبات در آنجا نیازمند تعامل صحیح و دوستانه میان پاسگاه‌های مرزی دو کشور است. مسلم است که امکان تبدیل یک اشتباه کوچک در مرز به یک بحران بزرگ سیاسی-امنیتی-نظامی وجود دارد؛ بنابراین پیش‌بینی و جلوگیری از وقوع چنین اشتباه‌ها و تنش‌هایی یک ضرورت عقلی برای نظام‌های سیاسی حاکم بر طرفین مرز است. از آنجا که مسئله دیوار امنیتی از سال ۱۳۸۲ تاکنون موجب سوءتفاهمات و تنش‌هایی شده، نیاز است اقدامات لازم برای پیشگیری از بروز مشکل انجام گیرد؛ خاصه آنکه در طرف افغانی مرز نیروهایی سر کار آمده‌اند که تجربه لازم در چنین اموری را ندارند؛ از این رو لازم است مرزبانان جمهوری اسلامی با درایت بیشتری عمل کنند. از جهت روحی و روانی، نیروهای مرزبانی دولت پیشین افغانستان افراد نسبتاً بی‌اعتنا و خنثی بودند، اما نیروهای تازه‌نفس و بسیار جوان طالبان روحیه دیگری دارند و چیزی را ولو به غلط تهدیدی علیه افغانستان تصور کنند، بسیار جدی می‌گیرند. در اینجا یک دیدگاه می‌گویند که بگذار با ابزار نظامی قوی طرف مقابل را مجبور به تمکین و بی‌اعتنا بودن کنیم، اما بی‌شک هزینه‌های سیاسی-امنیتی-نظامی زیادی بر این دیدگاه مترتب است (بهرام زاهدی، آذر ۱۴۰۰).

۲-۴. نقش آمریکا

جمهوری اسلامی ایران اخراج آمریکا از افغانستان را یک پیروزی بزرگ برای جهان اسلام تلقی می‌کند و بر این ایده تأکید دارد که هر جا آمریکایی‌ها ورود کرده‌اند جز ناامنی، ایجاد اختلاف و آشوب و غارت کشورهای هدف، هیچ سودی نداشتند. تعامل ایران با طالبان نیز بیش از اینکه اعتماد ۱۰۰ درصدی به حکومت آنان باشد، ناشی از پیامدهای خلأ قدرت در افغانستان و شروع مجدد جنگ داخلی است؛ مثل زمانی که شوروی از افغانستان خارج شد و پس از سقوط دولت کمونیستی نجیب، جنگ‌های قومی و سپس مذهبی در دوره ظهور طالبان شروع شد. فراری دادن اشرف‌غنی هم به‌نوعی طرح کثیف آمریکایی‌ها بود تا زودتر شعله جنگ داخلی در افغانستان زبانه بکشد. اما تعامل با طالبان و کمک انسان‌دوستانه متداوم در وضعیتی که درایه‌های افغانستان توسط آمریکا مسدود شده بود و حتی تحریم اقتصادی بودند، فرصتی شد تا ایران تا حد زیادی حسن نیت و حسن هم‌جواری نشان دهد و عملاً مانع از بروز تنش‌ها بین ایران و طالبان شود. با وجود تلاش آمریکایی‌ها و مزدوران آنان برای شروع درگیری‌های مرزی، ایران و مقامات دو طرف توانسته‌اند بر سوءتفاهمات غلبه کنند و مانع

تشدید اختلافات شوند.

در سخنان یکی از مقامات ارشد جمهوری اسلامی در همین روزهای پس از تنش مرزی نیز می‌توان رگه‌هایی از تعامل مثبت و ثمربخش میان دو طرف برای اخراج آمریکا را مشاهده کرد: «امروز از افغانستان اخراج شدند یا به عبارت بهتر فرار کردند. آدم‌های خودشان را نتوانستند خارج کنند؛ ۲۰ روز مقاومت نکردند؛ در حالی که در جبهه مقاومت در مکتب انقلاب اسلامی کار را یاد گرفتند و مردانه می‌جنگند. به آمریکاییان می‌گوییم هنوز از جغرافیای اطراف ما وقت دارید که با ذلت بیرون بروید وگرنه از تمام این جغرافیا بدتر از افغانستان اخراج می‌شوید. دورانی که هر کاری می‌خواستید انجام می‌دادید، گذشت... سال‌های سال آمریکا حرف از تحریم روی میز و زیر میز می‌زند، اما توان و ظرفیت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و اقتدار و عزت این ملت به حدی رسیده که می‌دانند اگر کوچک‌ترین حرکتی کنید، دندان‌های شما در دهانتان خرد می‌شود. این مسیر شهدا مرحله به مرحله ادامه دارد تا به هدف الهی که تشکیل حکومت جهانی امام زمان است برسد» (آفتاب‌نیوز، ۱۱ آذر ۱۴۰۰).

۳-۴. فضاسازی گسترده رسانه‌ای علیه ایران، ایران‌هراسی و افغان‌هراسی

در موج اول فضاسازی‌ها در تابستان و پاییز ۱۴۰۰، هر هفته صدها خبر و ویدئوی دروغ درباره افغانستان با تمرکز بر داعشی جلوه دادن طالبان در فضای مجازی منتشر می‌شد. واژه «تطهیر طالبان» یا حتی «تروریستی» نامیدن طالبان در شبکه‌های اجتماعی از یک سو و «جنش اصیل» خواندن طالبان از سوی دیگر موجب شده بود تا نوعی بدبینی بین طرفداران طالبان و حتی مخالفان طالبان نسبت به ایران شکل گیرد. در این موج برخی افراد رسانه‌ای شناخته‌شده (مثلا یک خبرنگار نسبتاً معروف) هم در حساس‌ترین لحظات توثیق می‌زدند و خبر از مباح شدن خون مردم هرات توسط طالبان می‌دادند؛ در حالی که در صحنه عمل و واقعیت حتی یک‌هزارم از چنین چیزی صحت نداشت (بهرام زاهدی، ۲۱ فروردین ۱۴۰۱).

موج دوم فضاسازی‌ها از زمستان ۱۴۰۰ و فروردین ۱۴۰۱ آغاز شد. در این موج با افزودن اخبار ضد‌مهاجر و ایجاد این توهم که میلیون‌ها افغان به‌عنوان سربازان مخفی طالبان عمل خواهند کرد، شایعات و دروغ‌ها شکل دیگری پیدا کرد. موج افغان‌هراسی و ایران‌هراسی، توده‌های مردم دو کشور را هدف گرفته بود و دشمنان به‌ظاهر نامرئی به دنبال تحریک عواطف و احساسات بودند. آمریکا از افغانستان اخراج شد و از رهبر معظم انقلاب اسلامی تا فرانسویس

فوکویاما همگی از تحقیر و شکست آمریکا در این صحنه سخن گفتند؛ اما پروژه تخریب ذهنی مردم ایران و افغانستان توسط آلت‌دست‌های داخلی آمریکا متوقف نشد و هر روز تحلیلی به‌ظاهر زیرکانه مبنی بر اینکه طالبان همان داعش است و طالبان همه شما را فریب داده است، در سطح رسانه‌های مکتوب و مجازی منتشر می‌شد (بهرام زاهدی، ۲۱ فروردین ۱۴۰۱).

روز دوشنبه بیست و یکم فروردین ماه عده‌ای در مقابل سفارت و کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهرهای کابل و هرات شعار سر دادند و به کنسولگری ایران در هرات نیز تعرض صورت گرفت. از ابتدای سال ۱۴۰۱ با انتشار ویدئوهایی دروغین در فضای مجازی در مورد آزار و اذیت مهاجرین افغان، زدن، کشتن، شکنجه کردن آنان و... فضا سازی گسترده‌ای علیه ایران صورت گرفت؛ در حالی که عمده این ویدئوها، دروغین و ساختگی یا مربوط به سایر مناطق به‌ویژه سوریه و عراق بود. بسیاری از این ویدئوها و بد رفتاری با کودکان مربوط به اعمال جنایت‌کارانه داعش در حلب و سایر مناطق سوریه بود. همچنین نسبت دادن کلیپ نزاع‌های محلی در شهرهای مختلف ایران به دعوای ایرانی‌ها با مهاجرین افغانستان همه دروغ بود. انتشار تعداد وسیعی ویدئو، کلیپ و... در یک بازه زمانی کوتاه موجب شد تا مقامات حکومت تازه تأسیس طالبان نسبت به رعایت حقوق مهاجرین افغان توسط جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان دهند و در فضای عمومی افغانستان نیز (عمدتاً طرفداران طالبان و...) مقابل سفارت و کنسولگری ایران در هرات تجمع و حتی اقدام به تعرض کنند. در واقع بررسی فضای شبکه‌های اجتماعی در آن مقطع زمانی به‌خوبی نشان داد که دست‌های کثیف سرویس‌های جاسوسی وابسته به غرب تلاش کردند به هر نحوی شده افکار عمومی دو کشور به‌ویژه افغانستان را علیه ایران تحریک و بین ملت افغانستان و ایران تنش ایجاد کنند. حادثه تروریستی در حرم امام رضا(ع) نیز به شیوع بیشتر این موج کمک کرد. به‌زودی بخش قابل توجهی از افکار عمومی دو کشور به تقابل با یکدیگر مشغول شدند و علاوه بر عامه مردم، قشر نخبگانی نیز وارد این تقابل‌ها و موضع‌گیری‌ها شدند. در ایران، مسئولان با پرده برداشتن از یک توطئه که هدف آن برهم زدن روابط افغانستان و ایران بود و موضع‌گیری مدبرانه، فضا را نسبتاً آرام کردند؛ اما در افغانستان متأسفانه این‌گونه نبود. فعالان رسانه‌ای طالبان و برخی مقامات برحال یا سابق این گروه با اظهارات و موضع‌گیری‌های خود احساسات مردم افغانستان را بیش از پیش تحریک کردند و سبب شدند ویدئوهای تهدیدآمیزی از سوی برخی افراد طالبان منتشر شود که تهدیدهای امنیتی علیه کشور ایران و اتباع ایرانی در آن مطرح شد.

با وجود این، مقامات ارشد حکومت طالبان به جای آرام کردن فضا، در اقدام پوپولیستی از احضار مقامات سفارت ایران در کابل خبر دادند و در گام بعد اعلام کردند در دیدار با سفیر ایران به وی گفته‌اند که «این پیام را به رهبران خویش در ایران منتقل نماید که به نهادهای امنیتی و سایر نهادهای مربوط در مورد چگونگی جلوگیری از سوءبرخورد با مهاجران افغان در شهرها و مناطق مرزی دستورهای لازم ارائه نمایند». این گزاره که حکومت طالبان در تظاهرات و تعرض به کنسولگری ایران در هرات مستقیماً دست داشته است، قابل پذیرش نیست؛ اما سران طالبان هم برای کنترل عواطف و احساسات مردم تهییج شده، تلاش نکردند؛ حتی در تحریک افکار عمومی افغانستان نقش داشتند. تعرض به کنسولگری ایران در هرات یکی از پیامدهای این سیاست طالبان بود (بررسی تحولات افغانستان، فروردین ۱۴۰۱).

رسانه‌های افغانستان هم با پمپاژ اخباری که جمهوری اسلامی را به بدرفتاری با مهاجرین متهم می‌کردند به این فضا دامن زدند. در نتیجه فضا در افغانستان همان شد که طراحان و صحنه‌گردانان این توطئه می‌خواستند. از این رو ایران هراسی، تظاهرات ضدایرانی و سرانجام تعرض به مرکز دیپلماتیک جمهوری اسلامی که حکم خاک ایران را دارد، انجام گرفت.

با فراری شدن بخشی از بدنه تربیت شده آمریکا در افغانستان نظیر «مریم سما» که رهبر جریان ایران‌ستیزی در مجلس افغانستان بود و فرارشان به کشورهای نظیر امارات متحده عربی و انتقال بخشی از آنها به آلبانی، گروه‌های رسانه‌ای مشترک ایرانی-افغان تحت امر آمریکا به وجود آمده‌اند که با پمپاژ شایعات قصد جاری کردن خون دو ملت مسلمان توسط یکدیگر را دارند. در این بحبوحه روزنامه جمهوری اسلامی و امثال آن با آدرس غلط، حادثه تروریستی رخ داده در حرم مطهر امام رضا(ع) را به طالبان نسبت می‌دهند (بهرام زاهدی، ۲۱ فروردین ۱۴۰۱).

موج سوم که به نوعی بی‌ارتباط با فضا سازی رسانه‌ای نبود، ایجاد درگیری‌های کاذب و مهندسی شده در طول مرزهای ایران با افغانستان و همچنین ایجاد اختلاف بین ایران و حکومت دوم طالبان بر سر موضوع حقابه ایران از رود هیرمند بود. در این خصوص هم مسئولان مربوط به‌ویژه معاون سفیر ایران در افغانستان و مقامات طالبان با ورود به موقع و گفت‌وگو درباره مشکلات مرزی، تلاش کردند درگیری نظامی بین دو طرف صورت نگیرد و با گفت‌وگوها سوء تفاهمات برطرف شود. البته علت اصلی تنش‌های مرزی در طول سال گذشته ناآشنایی نیروهای طالبان با مسائل مرزی و قوانین مرزبانی بین دو کشور بوده است. برخی اختلافات مرزی در نزدیکی اسلام‌قلعه هم‌مرز با هرات و در دلتای رود هیرمند (که

اساساً بستر رودخانه به‌عنوان مرز تعیین شده است) وجود دارد؛ اما این اختلافات جزئی قابل حل و فصل هستند. دلیل اصلی برخی مناقشات، عوامل خارجی و تحریکات دست‌های پنهان سرویس‌های اطلاعاتی آمریکایی‌ها بوده است.

به هر حال در هر سه موج، چه ایجاد بدبینی بین دو کشور به‌ویژه با به قدرت رسیدن دوباره طالبان (موج اول)، چه افغان‌هراسی و ایران‌هراسی و نفرت‌پراکنی بین دو ملت (موج دوم) و چه موج سوم که برای ایجاد درگیری در مرزها و سپس دشمنی بین ایران و افغانستان تلاش شد و همچنان هم ادامه دارد، هزینه‌سازی امنیتی و نظامی در دستورکار برخی بازیگران معاند و متخاصم با ایران بوده است و پروژه تخریب روابط بین کشورهای همسایه افغانستان به نحو دیگری تداوم دارد.

نتیجه‌گیری

ماهیت منازعات مرزی و آبی ایران و افغانستان به زمان جدایی افغانستان از ایران طبق معاهده پاریس در ۱۸۷۵م و قبول حکمیت انگلیسی‌ها برمی‌گردد. بی‌ثبات سیاسی در افغانستان، مداخلات قدرت‌های استعماری، پایبند نبودن طرف افغانستان به معاهدات مرزی - آبی و قراردادهای تقسیم آب دو جانبه و سپس سایر مسائل طبیعی نظیر خشکسالی، ایجاد سد در بالادست رودهای فراسرزیمینی (رود هیرمند)، احداث نهرهای متعدد و انحراف آب و... موجب شده است تا اختلافات حل نشده آبی - مرزی در دولت موقت طالبان نیز ظهور و بروز داشته باشد. مهم‌ترین مسئله بین دو کشور در طول تاریخ روابط سیاسی، تأمین حقابه هامون از رود هیرمند و پایبندی حاکمان افغانستان به تأمین حقابه بوده است که با وجود اذعان مقامات در هر دوره‌ای به حقوق آبی ایران، در عمل به بهانه‌های مختلف کمتر اجازه ورود آب به ایران داده شده است.

عمده منازعات مرزی ایران با افغانستان در منطقه سیستان و سپس میلک و مرز دوغانرون و اسلام قلعه بوده است، اما مسئله حقابه ایران که بی‌ارتباط با موضوع مرز هم نیست، عمده اختلافات دو کشور را تشکیل می‌دهد. از سال ۱۳۵۱ تاکنون، معاهده هیرمند مورد پذیرش و استناد دو طرف بوده و قرارداد جدیدی در رابطه با بهره‌برداری از رود هیرمند میان افغانستان و ایران شکل نگرفته است. اما وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سپس کودتای کمونیستی در افغانستان و حمله شوروی سابق به این کشور و وقوع جنگ‌های داخلی موجب شد تا موضوع



طرح‌های مشترک از جمله معاهده هیرمند به فراموشی سپرده شود. در دوره حکومت اول طالبان (امارت اسلامی) نیز به دلایل متعدد از جمله اختلاف ایدئولوژیکی و سیاسی در کنار عامل خشکسالی و کاهش نزولات جوی، سبب قطع کامل آب هیرمند از سوی افغانستان شد. امارت اسلامی دریاچه‌های سد ارغنداب و کجکی را کاملاً بست و عملاً هیچ آبی به سمت ایران نرسید. با سقوط طالبان از قدرت در ۱۳۸۰ و تشکیل دولت موقت به ریاست حامد کرزی و در سفر دو روزه وی به تهران، سند همکاری بین دو کشور امضا شد که در بند ۱۳ آن طرفین بر اجرای معاهده هیرمند (۱۳۵۱) و تقسیم آب تأکید کردند. مقرر شد آب رودخانه هیرمند به مدت چهل روز به حوضه آبی هامون وارد شود، اما پس از بازگشایی دریاچه‌های سد ارغنداب و کجکی و با گذشت تنها ۱۰ روز، از ورود آب به منطقه سیستان جلوگیری شد. با به قدرت رسیدن دوباره طالبان، رهبران آن همواره بر تأمین حقایق هیرمند تأکید کرده‌اند، اما در عمل شاهد تداوم سیاست دولت غنی و انحراف آب کمال‌خان به شوره‌زار گودزره هستیم.

منازعات مرزی ایران با طالبان در یک سال گذشته ناشی از برخی سوءتفاهمات، آشنا نبودن با قوانین مرزبانی و نامشخص بودن برخی نقاط در مرز و از همه مهم‌تر ناشی از فضاسازی‌های گسترده شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های معاند در افغانستان و ایران بود. متأسفانه رویکرد افراط و تفریط در خصوص طالبان و نیز شکل نگرفتن دولت متوازن و همه‌شمول در افغانستان موجب شده است تا اختلافات سیاسی و قومی درون افغانستان به برخی کشورهای همسایه به‌ویژه ایران نیز سرایت کند. حضور بیش از پنج میلیون مهاجر افغانستانی که نزدیک به یک و میلیون و اندی از آنها پس از تسلط طالبان بر افغانستان به ایران به‌صورت رسمی و غیررسمی وارد شده‌اند، سبب شد که فضاسازی‌ها سریع و پرشتاب اتفاق بیفتد و حتی موجب موضع‌گیری برخی مقامات طالبان نسبت به شایعه بدرفتاری ایرانی‌ها با مهاجران افغانستانی شد. البته هوشمندی جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ سیاست درست و تعامل با طالبان در عین گوشزد کردن مکرر تشکیل دولت فراگیر و تسلط بر مسائل امنیتی در مناطق مرزی و... مانع شعله‌ور شدن اختلافات در مرز و سیاست بین ایران و طالبان شده است. این مسئله موجب ناخشنودی آمریکا و برخی متحدان منطقه‌ای آن شده است که به‌دنبال ایجاد ناامنی مدیریت شده و گسترش داعش و جنگ نیابتی در افغانستان و کشورهای همسایه آن به‌ویژه ایران هستند. با توجه به اهمیت کلان و راهبردی گسترش همکاری میان ایران و افغانستان پسااشغال، مدیریت جامع و یکپارچه مسائل بسیار ضروری است تا رویدادهای خرد مانع از اجرای طرح‌های کلان نشوند.

منابع و مآخذ

- ارفع، حسن (۱۳۷۷)، در خدمت پنج سلطان، ترجمه سید احمد نواب، تهران: انتشارات مهر آئین.
- اطاعت، جواد و اسماعیل ورزش (۱۳۹۱)، «هیدروپولیتیک هیرمند؛ دلایل، آثار و پیامدها»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۸۰، تابستان.
- باقری، اسماعیل (۱۴۰۱)، «بررسی میزان تعهد طالبان به تأمین حقا به هیرمند»، گزارش راهبردی، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۲۸ مرداد.
- جهانشاهی، علی، بابک نبی‌زاده و بابک پناهی (۱۳۹۸)، «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش عوامل ژئوپولیتیکی جهت ارتقای امنیت و توسعه پایدار مناطق مرزی شمال شرق کشور»، سیاست دفاعی، ش ۱۰۷، تابستان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و میثم میرزائی تبار (۱۳۹۸)، «تبیین ژئوپولیتیکی منازعات مرزی و سرزمینی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا از پایان جنگ سرد تا ۲۰۱۴ میلادی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۸، ش ۱۱۲، زمستان.
- خلیلی، محسن و صدیقه هاشمی (۱۳۹۶)، «حقابه هلمند و پیشینه آن»، فصلنامه روابط خارجی، س ۹، ش ۴، زمستان.
- رحمانیان، داریوش و فضل‌الله براقی (۱۳۸۹)، «جایگاه مسأله آب هیرمند در مناسبات ایران و افغانستان در دوره رضاشاه»، مجله تاریخ ایران، ش ۶۴/۵، بهار.
- سلیمانی دهرکردی و معصومه نیرآبادی (۱۳۹۱)، «چالش‌های مرزی ایران و افغانستان در دوره رضاشاه»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۲، دوره جدید، ش ۱۶، پیاپی ۱۰۵، زمستان.
- صدیقی‌فر، محمد (۱۴۰۱)، مصاحبه از طریق شبکه مجازی با سرکنسول ایران در هرات در مورد «ماهیت منازعات مرزی اخیر ایران با طالبان»، ۱ شهریور.
- صفوی، سید یحیی و عبدالله جلالی نسب (۱۳۹۵)، «جغرافیای امنیتی مرز ایران و افغانستان و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- مظلوم، فیاض‌گل و سید هادی زرقانی (۱۴۰۰)، «تحلیل نقش قدرت‌های بزرگ در ایجاد مرز دیورند و تأثیر آن بر روابط افغانستان و پاکستان»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، س ۶۵، ش ۴، زمستان.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان؛ منابع تنش و تهدید، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- علمدارلو، محمدمهدی (۱۳۹۶)، «راهکارهای پایان مناقشه آب ایران و افغانستان»، خبرگزاری فارس، ۱۲ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.ir/af/news/1396071200285>
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸)، «امیران مرزدار، مرزهای خاوری ایران»، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: انتشارات شیرازه.



▪ مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۸)، «نگاهی به چگونگی شکل‌گیری مرزهای خاوری ایران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۱ و ۱۳۲.

▪ مذاکرات جلسه ۲۳، دوره دهم مجلس شورای ملی، سیزدهم مهر ۱۳۱۴.

▪ مکی، حسین (۱۳۶۹)، تاریخ بیست ساله ایران، ج اول، تهران: انتشارات علمی.

▪ زاهدی، بهرام (۱۴۰۰)، «تحلیلی از تنش مرزی رخ داده میان ایران و افغانستان»، هفته‌نامه بدر، ش ۲۱۴، آذر.

▪ انتخاب، «جزئیات درگیری در مرز ایران و افغانستان»، ۱۰ آذر ۱۴۰۰، قابل دسترس در:

<https://www.entekhab.ir/fa/news//۶۵۰۳۰۶>

▪ خبرگزاری فارس، «تنش مرزی بین ایران و افغانستان بدون درگیری»، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۱، قابل دسترس در:

<https://www.farsnews.ir/news//۱۴۰۱۰۲۰۳۰۰۰۴۶۱>

▪ خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱)، «جزئیات توافق با افغانستان درباره حق‌آبه ایران از زبان وزیر نیرو»، ۲۰ مرداد، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news//۲۷۵۶۳۱۱/۲۰/۰۵/۱۴۰۱>

▪ خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱)، «طالبان مسیر رودخانه هیرمند را منحرف کردند»، ۳۱ مرداد، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news//۲۷۶۱۸۷۳/۳۱/۰۵/۱۴۰۱>

▪ زاهدی، بهرام (۱۴۰۱) «برده‌برداری از توطئه خونین افغان‌هراسی»، سایت مشرق، ۲۱ فروردین، قابل دسترس در:

<https://www.mashregnews.ir/news//۱۳۶۰۴۸۹>

▪ کانال تلگرامی «بررسی تحولات افغانستان»، ۲۱ فروردین ۱۴۰۱، قابل دسترس در:

<https://t.me/AfghanistanDevelopments>

▪ فرجاد امین، حسین (۱۴۰۰)، «مصوبه مجلس رؤیای افغان‌ها را نقش بر آب می‌کند»، دیپلماسی ایرانی، ۲ بهمن، قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news//۲۰۰۹۲۲۷۶>

▪ خبرگزاری ایلنا (۱۴۰۱)، «هشدار ایران به طالبان درباره حقه‌آبه ایران»، ۷ مرداد، قابل دسترس در:

<https://www.ilna.ir/>

▪ ملازهی، پیرمحمد (۱۴۰۰)، «چالش ایران با طالبان برای تأمین حقه‌آبه هامون»، ۷ شهریور، روزنامه همشهری، کد مطلب ۱۳۸۹۶۴، قابل دسترس در:

<https://newspaper.hamshahrionline.ir/id//۱۳۸۹۶۴>

▪ عبدالهیان، امیر (۱۳۸۸)، «حقوق دریاها»، مجله حقوق همشهری، ۶ مهر.

▪ خبرگزاری تسنیم، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱.

▪ آفتاب نیوز (۱۴۰۰)، «سردار قآنی خطاب به آمریکا: اگر کوچک‌ترین حرکتی کنید، دندان‌های تان خرد می‌شود»، ۱۱ آذر، قابل دسترس در:

<https://aftabnews.ir/fa/news//۷۴۰۶۷۷>

